

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته آلبرت استاهل - Albert A. Stahel

ترجمه توسط حمید محوی

۱۷ مارچ ۲۰۱۳

اهداف، ابزار، ستراتیژی نظامی، تکنولوژی پیشرفته

و اوباما



همان گونه که می توانیم در این مدت اخیر در نشریات تخصصی مختلف ببینیم، دولت اوباما، با وجود وضعیت نامساعد اقتصادی در کشور، بر آن است تا وضعیت برتر را برای آینده ایالات متحده تضمین کند. یکی از نتایج این رویکرد رویارویی فزاینده با چین در غرب اقیانوس آرام است. خلاف ستراتیژی نظامی در دولت پیشین در زمان بوش که از دیدگاه فکری به طریق اولی ساده به نظر می رسید و امروز تقریباً آن را به عنوان دوران باستان تلقی می کنند، اوباما برای تداوم بخشیدن به حاکمیت ایالات متحده در زمینه جغرافیای سیاسی در جهان به تکنولوژی پیشرفته تکیه می کند. جنگ سایبری به مدد ویروس های رایانه ای و کرم های رایانه ای علیه سامانه های حساس دشمن مانند شبکه های کمپیوتری و الکتریسیته. ویروس «استاکس نت» را به یاد داریم که با ارسال آن ضایعاتی در سال ۲۰۱۲ به برنامه هسته ای ایران (۱) وارد ساخت. مهندسان کمپیوتر استاکس نت را با جنگ هوایی تشبیه کرده و آن را سلاحی دقیق و ماهر در جنگ سایبری تلقی کرده اند. بین ابزارهای فن آوری برتر، دولت اوباما به همچنین هواپیماهای جنگنده بی خدمه (یا پهپاد) را در اختیار دارد. این پهپادها تنها به دلیل چند آئین نامه سیاسی دارای محدودیتهایی می باشد، با این وجود رهبران نامطلوب از دیدگاه پنتاگون یا اعضای کلیدی القاعده از این پس توسط بمب های هدایت شونده لیزری «هل فایر» (آتش جهنم) که از روی این پهپاد ها پرتاب می شوند به هدایت افسرانی که در پایگاه نوادا مستقر هستند هدف گرفته خواهند شد. حال اگر این نوع عملیات موجب خسارات جانی می گردد، یعنی اگر تعدادی شهروند غیر نظامی بی گناه نیز ممکن است مورد اصابت قرار بگیرند، آنهایی که حکم این گونه مأموریت ها را دریافت کرده اند و مأموران عملیاتی مستقر در نوادا مسئولیت آن را پذیرفته اند.

سومین ابزار پر اهمیت در انبار سلاح های ستراتیژیک اوباما و دولت او قطعات برگزیده هستند که تخصص بالایی داشته و نیروهای عملیات ویژه را تشکیل می دهند، مانند نیروی دلتا. مقامات عالی دشمن توسط این نیروهای ویژه مستقیماً حذف می شوند. یک نمونه از این عملیات حذف اسامه بن لادن در پناهگاهش در پاکستان در محل هیبت آباد در سال ۲۰۱۱ بود (۲) جست و جوی اطلاعات ضروری که از طریق «واتربردینگ» (نوعی شکنجه آمریکایی. شبیه سازی غرق شدگی در آب) نزد مبارزان القاعده که به اسارت درآمده اند به دست آمده به سیا تحویل داده می شود که بیش از پیش مسئولیتهای جنگی را در رویارویی با القاعده به دست می گیرد و به شکل جزئی نیروهای نظامی را از شرکت در این نوع عملیات معاف می دارد.

هدفگیری و حذف رهبران کشورهای که توسط پنتاگون به عنوان دشمن تعریف شده اند تشابهاتی را با عملیات چریکی در اروپا در اواسط سالهای ۸۰ در قرن بیستم نشان می دهد. به ویژه تروریستهای جمهوری فدرال آلمان در آن سالها بر آن بودند که دولت و جامعه را با کشتن رهبران عالی رتبه و تخریب اقتصاد و سپس نابودی تمام جامعه تضعیف کنند. دولت اوباما در رویارویی با مخالفانش از طریق حذف شخصیت ها مانند حذف رهبریت القاعده عمل می کند و از این دیدگاه تشابهاتی را با تروریست های اروپائی در قرن گذشته نشان می دهد.

با این وجود، اصولی که این ستراتیژی را مشخص می سازد جالب توجه است. در حالی که دولت اوباما از ابزارهای تکنولوژی برتر («های تک») استفاده می کند، دست متحدان خود را باز گذاشته است که از ابزارهای کلاسیک متعارف استفاده کنند، مانند بمباران دشمنان از طریق حمله هوایی، یا پشتیبانی از به اصطلاح «شورشیان» علیه دیکتاتورهای نامطلوب. به عنوان مثال می توانیم از مداخله در لیبیا و مالی از طریق هم پیمانان اروپائی یا فرماندهی به اصطلاح «ارتش آزاد سوریه» توسط ترکیه و عربستان سعودی یاد کنیم.

در عین حال در منازعه بین جاپان و چین در مورد مسئله جزایر غیر مسکونی غرب اقیانوس آرام تمایل مشابهی را نشان می دهد. ایالات متحده در تمام وضعیت های جنگی و منازعات خود را به امور لوژیستیک محدود می سازد. این ستراتیژی و بینش با ستراتیژی نیکسون و کسینجر در پسا پایان جنگ ویتنام چندین نقطه مشترک دارد. در آن دوران، نیکسون و کسینجر، مانند اوباما در حال حاضر، می خواستند فقط اهداف را در نظر بگیرند و از متحدان خود در جنگ از طریق لوژیستیک ایالات متحده پشتیبانی کنند. حتی امروز، متحدان باید کارهای کثیف نظامی را برای ایالات متحده انجام دهند.

این شیوه فکری می تواند اصطلاح طنز آمیز فرانسوی ها را تداعی کند که طی دو جنگ جهانی به کار می بردند که حاکی از سرزنش به رفتار بریتانیایی ها در این جنگ ها بود که می خواستند برای در امان نگهداشتن جان سربازان خودشان جان سربازان فرانسوی را به خطر بیندازند، در این مورد بریتانیایی ها نیز ضرب المثل خودشان را داشتند: «مبارزه را تا آخرین سرباز فرانسوی ادامه می دهیم!»

متحدان باید پاکسازی کنند و نه امریکائی ها، زیرا از دیدگاه سیاستمداران واشینگتن در جنگ های ۲۰ سال گذشته به اندازه کافی قربانی داده اند. ولی نمی گویند که تقریباً تمام این جنگ ها توسط خود ایالات متحده راه اندازی شده است.

پی نوشت مترجم :

(۱) البته نویسنده نوشته است «برنامه اتمی نظامی ایران» ولی من آن را مختصراً برنامه هسته ای ترجمه کردم، چون که نمی خواستم اشتباه او را تکرار کنم زیرا در هر صورت برنامه هسته ای با رویکرد نظامی به اثبات نرسیده است. علاوه بر این می دانیم که هدف ایالات متحده جلوگیری از پیشرفتهای عمومی ایران و استقلال ایران است تا بتواند احتمالاً به مدد اپوزیسیون انیرانی به عنوان سگ نگهبان سیطره منحوسش را بر ملت ایران تحمیل کند.

(۲) نویسنده چگونگی قتل اسامه بن لادن را به شکلی که در رسانه ها منعکس شده پذیرفته و در این جا از آن یاد می کند، در حالی که مرگ اسامه بن لادن بر اساس گزارشات دیگری خیلی پیش از این تاریخ روی داده بوده است.

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۶ مارچ ۲۰۱۳

Institut d'Etudes stratégiques, Wädenswil

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۱۵ مارچ ۲۰۱۳